



نگاهی به مستند «کلاشئیکف‌های امریکایی»

### چالش ما در مستندنگاری اسناد جنگ

زمانی که یک کارگردان برای ارائه اسنادی از یک واقعه مهم در تاریخ معاصر اقدام به تولید مستند می‌کند، بزرگ‌ترین مسئله این است که روایت او امکان دارد مورد نقد یا تکذیب جریانات مختلف سیاسی قرار بگیرد و حتی روایت مساواری آن روایت مطرح شده به میان بیاید. این مقدمه کوتاه به این جهت ذکر شد که داوود مردان در مستند «کلاشئیکف‌های امریکایی» در ست در نقطه بعدی روایت یکسری اسناد تاریخی ایستاده است و در واقع او می‌خواهد روایت‌هایی را مطرح کند که در وهله اول نفی‌کننده روایت‌های کذب باشد و از طرف دیگر بااستناد به اسنادی دیگر حقیقت را برای مخاطب واکاوی نماید.

مردان خود در تعریف نام مستندش می‌گوید: «کلاشئیکف یک سلاح روسی است و کشورهای عربی دارای دو شکل حاکمیتی بودند و هستند؛ یا زیر یوغ کشورهای مثل عربستان و امارات هستند یا زیر چکمه آزادخواهان چپ‌گرایند. آنان عمدتا به شوروی نزدیک بودند. از کسانی که در این زمینه خودش را جا انداخت و با سلاح‌های روسی به ایران حمله کرد، صدام بود اما جالب است بدانید صدام از ۱۵سالگی عضو کددار سازمان اطلاعات امریکا بود. بعد از مرگ جمال عبدالناصر، امریکایی‌ها دنبال این بودند که رهبر انقلابی جهان عرب از آدم‌های خودش باشد، بنابراین این جنگ صدام علیه ایران تبدیل به جنگ قادیسه صدام شد. در اینجا و بنا بر اسناد خود امریکایی‌ها ثابت می‌شود صدام عامل امریکاست نه شوروی…». با این تعریف از نامگذاری مستند می‌توان دریافت زاویه دید مستندساز در اصل بیان تصویری از نقشه‌های وسیع‌تر از یک جنگ هشت ساله است؛ جنگی که هنوز هم پس از گذشت ۴۰سال از آغاز آن نکات ناگفته‌ای دارد که بخشی بر گردن سیستم رسانه‌ای و هنری داخلی است و بخشی هم بر گردن انحرافاتِ که رسانه‌های معاند در مسیر واکاوی جنگ مطرح می‌کنند.

همواره نقش امام خمینی (ره) در جریان رهبری ایران اسلامی به ویژه در دوران جنگ مهم‌ترین نقطه اتهام‌فکنی‌های جریانات معاند بوده است، حال آنکه بخشی از مستند «کلاشئیکف‌های امریکایی» به مسئله جدایی بحرین از ایران در دوران پهلوی می‌پردازد و یادآور یک مسئله کمتر شنیده شده در همان دوران است؛ امام می‌شود؛ جایی که صدام با توجه به ضعف رژیم پهلوی به فکر جدایی جزایر سه‌گانه می‌افتد و از امام که آن روزها در عراق تبعید است، می‌خواهد به عنوان مرجع عالیقدر شیعه ایرانی با او همصدا شود، اما پاسخ امام همان پاسخ و دیدگاهی است که در دوران جنگ نیز بر آن پابرجا بوده است و آن حفظ تمامیت ایران از طرف سایه اسلام است، امام خمینی (ره) در پاسخ به صدام می‌گوید: «ما برای یک و حسب از خاک میهنمان مذاکره نمی‌کنیم.»

از جمله نکات دیگر حائز اهمیت در این مجموعه مستند نشان دادن چهره‌هایی از حکومت پهلوی است که متأسفانه طی ۴۰سال گذشته آن طور که باید به خیانت‌های آنان در هم‌راهی با صدام پرداخته نشده است؛ چهره‌هایی که هیچ‌گاه برایشان نه مردم مهم بوده‌اند و نه ملیت و خاک کشور، افرادی که چه در رژیم پهلوی و چه در دوران جمهوری اسلامی حاضر بودند هر یک به تنه‌ها اما خداشان بر سر کار باشند.

از طرف دیگر نکته قابل تأمل این است که صدام حسین التکریتی همواره به عنوان فردی تصویر شده که به دنبال کشور گشایی و قدرت خود در منطقه بوده اما واقعیت این است که او جوانی تحت آموزش دوله‌های مختلف از سازمان سیا و همچنین سرویس امنیتی انگلیس قرار می‌گیرد و وقتی در بخشی از مستند می‌بینیم صدام حسین در جایگاه وزیر دفاع جلسه‌ای با سران حزب بعث برگزار می‌کند و آنجا نام خائنین به خویش یا بهتر بگوییم خائنین به ایالات متحده را می‌برد و جلوی در سالن سلاخی‌شان می‌کند، باافاصله می‌آید و برای مردم سخنرانی می‌کند و سایه‌ای از ترس در میان مردم عراق به راه می‌اندازد، از طرف دیگر صدام هیچ‌گاه نمی‌توانست بیش از ۱۷کشور عربی چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ نیروی انسانی به میدان جنگ با ایران اسلامی بیاورد، مگر با حمایت اربابان غربی امریکایی خود که او را پشتیبانی می‌کردند. «کلاشئیکف‌های امریکایی» با نقاط قوت و ضعفی قابل بررسی و نقد است، بار دیگر به ما یادآور شد که تا چه اندازه از اسامندنگاری مسئله‌محور به دور هستیم و نیاز است که بازنگری جدی در روند اقدامات رسانه‌ای در رابطه با جنگ داشته باشیم و آن تولید آثار مستند و سینمایی است که می‌تواند بهترین راه ممکن برای ایجاد ارتباط با مخاطبان عام و خاص باشد.



روزنامه جوان | شماره ۶۰۳۵ | یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۹ | ۹ صفر ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۵ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۴ | مغرب: ۱۸:۱۲ | نیمه‌شب:۲۳:۰۴ | اذان‌صبح:۴:۰۴ | طلوع آفتاب:۵:۵۷ |

# گناه ابتدال را بر گردن نظارت نیندازیم

ربط دادن بی‌کیفیتی آثار سینمایی به مسئله ممیزی از سوی مصطفی زمانی

ناشی از نشناختن ظرفیت‌های هنر هفتم و ناخواسته آدرس اشتباه‌دادن است



### جواد محرمی

سانسور یک آدرس غلط است که برخی ضعف کیفیت آثار سینمایی را بر گردن آن می‌اندازند اما حقیقت ماجرا این است که تنزل کیفیت بخش عمده‌ای از آثار سینمایی ایران ربطی به مسئله ممیزی و نظارت ندارد. نظارت از سوی حاکمیت بر سینما امری واجب و ضروری است اما متوقف ماندن مطالبات سینمایی در سطح نظارت و به کار نینداختن چرخ‌های مدیریت ایجابی کمکی به حل محتوای آثار سینمایی نخواهد کرد.

نداختن گناه بی‌کیفیتی آثار سینمایی به گردن ممیزی موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این بارها این آدرس غلط از سوی دیگران داده شده است و این بار نیز به نظر می‌رسد ضعف دانش و کمبود اطلاع یکی از هنرمندان سینمایی کشورمان باعث شده تا بار دیگر ریشه بی‌کیفیتی آثار بر گردن نظارت انداخته شود.

### ممیزی کمتر شود تا بهتر بازی کنیم!

مصطفی‌ی زمانی بازیگری که بنا نقش حضرت یوسف به مردم معرفی شده است اخیراً در گفت‌وگو با فریدون جیرانی در برنامه کافه آپارات درباره اینکه آیا سینمای ایران می‌تواند در مبارزه با فساد نقش داشته باشد، می‌گوید: «سینما در ایران اصلا نمی‌تواند در بحث مبارزه با فساد وارد شود و فیلم‌هایی مثل «سرپیکو» بسازد، چون در همه جا مقابل نیروهایی هستیم که هر چه حرف می‌زنیم می‌گویند بدخواهید! ما نمی‌توانیم این‌انظمای مجوز بگیرد گفته دلایل مشکلاتی که در سینما داریم این است که واقعیت جامعه با واقعیت چیزیزی که قرار است پخش بشود فرق دارد. دختر ۲۵ساله ما را می‌بیند می‌گوید این چه من زخر فیه کردی می‌کنید!»

زمانی ادامه می‌دهد: «سینما از جامعه عقب نیست، ممیزی نمی‌گذارد ما خودمان را نشان بدیم و ما عقب‌انفاده فر ض شده‌ایم. فیلمنامه‌ای می‌خوانم که درباره مافیای مواد مخدر و کشتن آدم‌هاست. پلیس مگر راضی می‌شود ما پنج نفر را بکشیم؟ یکی از دوستان رفته بود از نیروی انتظامی مجوز بگیرد گفته بودند ما به اندازه کافی سر «متری شیش و نیم» کشیدیم. آرزویم برای سینما این است که به ما رحم کنند، یک ذره ممیزی‌ها کم بشود که نقش‌ها را بهتر بازی کنیم و سینما به جامعه نزدیک شود.»

## مظلومیت شهدای «منا» نقاشی دیواری می‌شود

اثر رضا بدرالسماء با تکنیک گواش و آبرنگ خلق شده است

ناشی از این فاجعه است، از نگاهی دیگر رستگاری عروج شهدای منا به همراه رقصی سماع گونه به تصویر کشیده شده است.

در نقاشی «شهدای فاجعه منا» به ۱۰۰ سوره «نساء» با موضوع اجر و پاداش شهادت در راه هجرت به خانه خدا در حاشیه تابلو کار شده است، همچنین آیه ۲۵سوره حج در حاشیه خانه خدا نوشته شده که بیانگر وجود عذایی درناک برای کسانی است که در سرزمین خانه خدا دست به بستن علیه زائران و مسلمانان می‌زنند، این دو آیه دو سمت از فاجعه منا را به تصویر می‌کشد. تابلوی شهدای منا در سالروز فاجعه منا و در مراسم آیین افتتاح پایگاه مقاومت بسیج شهید غضنفر رکن آبادی (سفیر سابق ایران در لبنان و شهید فاجعه منا) در فرهنگسرای ملل با حضور حجت‌الاسلام‌مبین‌امردی، رئیس سازمان فرهنگی - هنری و حضور ویدئو کنفرانسی عباس خامه‌پار، رازین فرهنگسرای جمهوری اسلامی در لبنان و خانم حاج‌علی گل همسر شهید رکن آبادی رونمایی شد. رضا بدرالسماء نگارگر ۷۱ساله اصفهانی است که تاکنون نمایشگاه‌های بسیاری در خارج از کشور نظیر فرانسه، آلمان، ایتالیا، سنگال ، تر کمستان، مالی، الجزایر، لبنان، آذربایجان، کرمان، امارات، قزاقستان و ترکیه بر پا کرده است. او علاوه بر نگارگری کتاب‌های نفیس شاعران پارسی‌زبان از جمله حافظ، مولانا، خیام، عطار و فردوسی، انجام‌میناگری در خارج از کشور نظیر فرانسه، حبیب بن مظاهر، مقام حضرت ابوالفضل، کتیبه میناکاری نیم‌ضرب امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) و همچنین میناگری پنجره فولاد حرم مطهر حضرت معصومه(س) را در کارنامه خود داراست. بدرالسماء سال گذشته و در نودمین سال روابط ایران و زاین، تابلوی «درخت دوستی» را به عنوان دوستی دو کشور خلق کرد.

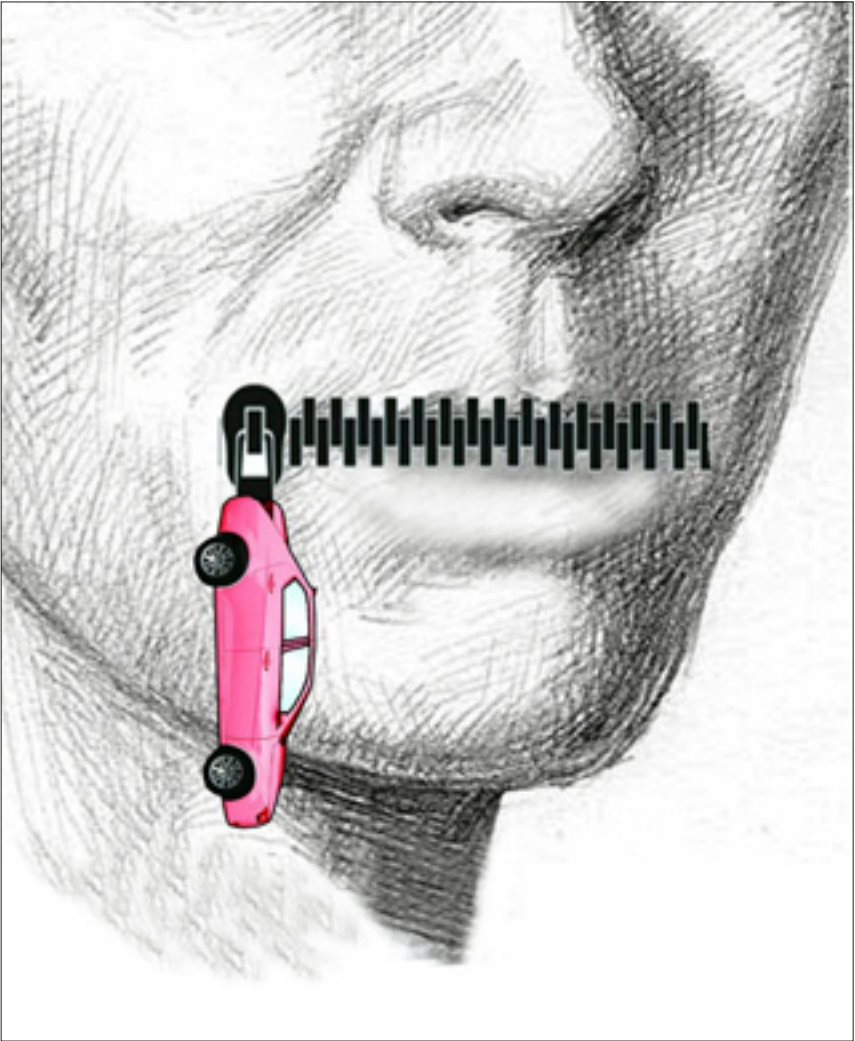
### حکمت

امام صادق(ع):

یکی از نصایح لقمان به پسرش، این بود که گفت: «ای پسرم! بختی‌سی از روز و شب و ساعات خود را برای دانش بزوهی قرار ده، زیرا هیچ زبانی را مانند ترک آن نخواهی یافت.»

الامالی شیخ مفید:ص:۲۹۲ح ۲

### نما حسین کشتکار



انتقاد معاون هنری وزارت ارشاد از ساخت تندیس‌های غیر حرفه‌ای از سردار سلیمانی

## تندیس‌های ناشیانه‌ای که شرم آورند



معاون امور هنری وزارت ارشاد با انتشار یادداشتی انتقادی در مورد تندیس‌هایی از شهید حاج قاسم سلیمانی که در شهرهای مختلف کشور رونمایی می‌شوند، نوشت: «در شهرهای مختلف یکی پس از دیگری از تندیس‌هایی رونمایی می‌شود که بیش از احساس قدردانی، قدردانی، حس شرمساری را در مخاطب برمی‌انگیزد. تندیس‌هایی سیدمجتبی حسینی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در بخشی از یادداشتی که با عنوان «تندیس‌هایی که حس شرمساری را برمی‌انگیزند» و در انتقاد از رونمایی از تندیس‌های غیر حرفه‌ای از شهید سلیمانی منتشر شده، آورده است: «ایران را باید شناخت تا بتوانیم سینه را سپر کنیم و جان را بر کف دست بگیریم برای حفاظتش و برای آبادانی اش و برای عزتمندی همیشگی‌اش. اگر برای شناخت سزیمین‌مان تاب مطالعات علمی و پژوهشی‌های ایسته نداشته باشیم، ارتباط چشمی و آشنایی با مفاخر - حتی با تماشای تندیس- آسان‌ترین راهکار و ملموس‌ترین اقدام برای گروه‌های اجتماعی مختلف است.» او در بخش دیگری از این یادداشت می‌نویسد: «ایران از شناختن میدان‌های آزمون معاصر را بیسته دفاع مقدس خوانده و نوشته است: «دفاع‌جانانه‌ای که اگر چه هشت سال، تمام جان و جوانی ایران اسلامی مغطوف آن بود، لیکن پس از آن نیز برای رفع و دفع کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها با دشمنان دیگر التزام توانمندی در آن را مؤکد می‌کرد، مگر برای نشان دادن ایثار و ازجان‌گذشتگی‌ها، معرفی قهرمانان و رزمندگان شاخص و رشید کشور نیست؟»

حسینی سپس با انتقاد از تندیس‌هایی که به یاد سردار شهید قاسم سلیمانی در این یک سال ساخته شده‌اند، تصریح کرد: «چرا «دیده‌بان» خیلی بهتر از «۱۹۱۷» است؟»

پهروز افخمی با اشاره به شباهت‌های روایی فیلم سینمایی «۱۹۱۷» به کارگردانی سلام مندس «پا فیلم «دیده‌بان» ، ساخته ابراهیم حاتم‌ی کیا را از نظر سینمایی فیلم بهتر ی توصیف کرد. افخمی «دیده‌بان» را بهترین فیلم دفاع مقدس سینمای ایران و زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتم‌ی کیا را بهترین کارگردانان این حوزه دانست.

## چرا «دیده‌بان» خیلی بهتر از «۱۹۱۷» است؟

بهتری است و مشخص است که از تجربه مستقیم فیلمساز از حضور در جبهه برخاسته است، به همین دلیل بیشتر هم به دل می‌نشیند اما «۱۹۱۷» با وجود شباهت فرمی به آن فیلم، بیشتر از جنس تظاهر فیلمساز به توانمندی تکنیکی است. فرم جدا از محتوا و موضوع با یک تظاهر و خودنمایی به رخ کشیده می‌شود. افخمی «دیده‌بان» را بهترین فیلم دفاع مقدس سینمای ایران و زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتم‌ی کیا را بهترین کارگردانان این حوزه دانست.

### سیدم رضی ذاکر

پس از پایان جنگ تحمیلی به سبب حاکمیت گفتمان سازندگی، نشانه‌های دفاع مقدس که بر دیوارها وجود داشت، از بین رفت و به جای آن نمادها، پیلوردها و تبلیغات انبوه تجاری بر دیوارهای شهر سسا به انداخت، به همین علت در دهه دوم انقلاب، هنر بی‌ریشه، هنر بی‌ درد و تزئینی در جامعه پدید آمد. عوالم مختلف هنری در دوران پس از انقلاب و ایام هشت ساله دفاع مقدس همواره با سه معضل اساسی روبه‌رو بود. اولین مسئله تندروهای انقلابی‌نمایی بودند که در مواجهه با هنر از طومارنویسی و چماق به دستی کارشان به غلغین در دامان دشمنان ملت و ساختن آثاری مثل سکس و فلسفه کشید. دسته دوم هنرمندانی بودند که با گرفتن بز روشنفکری سعی در تخطئه و استهزای تفکرات و تولیدات آثار هنری در دو عرصه بسیار مهم و تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در بین دانشجویان و هنرمندان داشتند. دسته سوم عده‌ای از مسئولان و مدیران منتسب به احزاب و جریانات سیاسی بودند که تحت تاثیر تفکرات لیبرالی و تکنوکراتی سعی در پاک‌سازی ذهن مردم و نشانه‌ها و المان‌های هنر انقلابی از سطح شهرها و معابر عمومی داشتند.

غلامعلی طاهری که سابقه دپیری نخستین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر در کنار فعالیت‌های هنری منتسب به جریان هنر دفاع مقدس دارد، در رابطه با نوع مواجهه جریانات حاکم سیاسی پس از اتمام دفاع هشت ساله با هنر انقلابی به تسنیم می‌گوید: به سبب حاکمیت گفتمان سازندگی در جامعه شرایط به گونه دیگری رقم خورد، به نحوی که شهردار وقت تهران

### خبر

حلب میزبان هنرمندان ایرانی و سوری

## سازمان اوج نمایش «الشمس تشرق من حلب» را روی صحنه می‌برد



سازمان اوج نمایش «الشمس تشرق من حلب» را به یاد سرداران شهید مقاومت در حلب روی صحنه می‌برد.

به گزارش «جوان» نمایش «الشمس تشرق من حلب» به کارگردانی کوروش زارعی بر

اساس نوشته‌ای از مرحوم ابوالسام حیدار در فضای باز مشهدالحسین شهر حلب روی صحنه خواهد رفت. بیش از ۶۰ بازیگر عرب و سوری، تیم فنی تولید و کارگردانی ایرانی را برای اجرای این نمایش که محصول مشترک ایران و سوریه است و به زبان عربی اجرا می‌شود، همراهی خواهند کرد. نشست خبری نمایش «الشمس تشرق من حلب» (خورشید از حلب طلوع می‌کند) با حضور هنرمندان ایرانی و سوری برگزار شد. این نمایش به ماجرای دیدار وزیرارت راهب مسیحی با سر مبارک امام حسین(ع) می‌پردازد. زمانی که در این شهر بود اسکان پیدامی‌کنند. راهب مسیحی فرامندان سپاه دشمن راقاع می‌کند تا سر مبارک سیدالشهدا(ع) را در اختیار وی قرار دهند و طی آن شب راهب با سر مبارک امام حسین(ع) راز و نیاز می‌کند. «الشمس تشرق من حلب» در مکانی که در سال ۱۹۶۱ هجری قمری واقعه مذکور در آن اتفاق افتاده و امروز با عنوان «مشهدالحسین» شناخته می‌شود، برگزار می‌شود.